

Philosophical Analysis of the Place of Light and Peace in the blessed monuments from the Perspective of Sohrevardi Illumination Philosophy

Roqayeh Sohrabi¹

Abstract

This research deals with the philosophical analysis of the place of light and peace in the blessed monuments from the Perspective of Sheikh Shahabuddin Sohrevardi Illumination Philosophy. Sohrevardi, the founder of the philosophy of illumination, introduces light as the primary principle and source of all beings. From his perspective, light is a symbol of truth, knowledge, and divine manifestation, which manifests in sacred places such as blessed monuments. As points of connection between the material and spiritual worlds, these places carry spiritual energies that grant pilgrims peace and mystical illumination. This research was conducted with an analytical-interpretative approach and using the library method. The data were collected through the study of Sohrevardi's original works, especially the books "Hikmat al-Ishraq" and "Al-Talvihah", as well as secondary sources related to the illumination philosophy. After extracting key concepts, a philosophical analysis was conducted focusing on the place of light and peace in the blessed monuments. Data analysis was conducted focusing on the concepts of light and tranquility in the holy sites. Data analysis was conducted focusing on the concepts of light and tranquility in the blessed monuments. The research findings show that light and peace are two interconnected concepts in Sohrevardi illumination philosophy that reach their peak of manifestation in sacred places. Blessed monuments are not only places of worship, but also spaces for directly experiencing divine light and achieving inner peace. This peace is the result of illumination and mystical intuition that is achieved through the experience of light.

Keywords: light, Peace, Blessed monuments, illumination philosophy, Sohrevardi.

The second year

Number Five

Autumn 2024

1. PhD in Philosophy of Art, University Lecturer.
roghayehsohrabi10@gmail.com

تحليل فلسفي لموقع النور والطمأنينة في الأماكن المقدسة من منظور فلسفة اشراقي سهروردي

رقبه سهرابي^١

الخلاصة

يتناول هذا البحث التحليل الفلسفي لمكانة النور والطمأنينة في الأماكن المقدسة من منظور الحكمة الإشراقية للشيخ شهاب الدين السهروردي. يعتبر السهروردي مؤسس فلسفة الاشراق حيث يقول أن النور هو المبدأ الأساسي ومصدر كل الكائنات. ومن وجهة نظره، يرمز النور إلى الحقيقة والمعرفة والتجلي الإلهي، الذي يتجلى في الأماكن المقدسة مثل الأضرحة المقدسة. وباعتبارها نقاط اتصال بين العالمين المادي والروحي، تحمل هذه الأماكن طاقات روحية تمنح الزائرين السلام والاشراق العرفاني. تم إجراء هذا البحث باستخدام المنهج التحليلي التفسيري وباستخدام المنهج المكتبي. وقد تم جمع البيانات من خلال دراسة المؤلفات الأصلية للسهروردي، وخاصة كتابي «حكمة الإشراق» و«التلويحات»، وكذلك المصادر الثانوية المتعلقة بحكمة الاشراق. وبعد استخلاص المفاهيم الأساسية، تم إجراء تحليل فلسفي يركز على مكانة النور والطمأنينة في الأماكن المقدسة. وتظهر نتائج البحث أن النور والطمأنينة مفهومان مترابطان في الحكمة الإشراقية للسهروردي ويبلغان ذروة تجليهما في الأماكن المقدسة. الأماكن المقدسة ليست أماكن للعبادة فقط، بل هي أيضاً أماكن لتجربة النور الإلهي بشكل مباشر وتحقيق الاستقرار الداخلي. هذا الاستقرار هو نتيجة الاشراق والحضور العرفاني الذي يأتي من خلال تجربة النور.

تم إجراء هذا البحث باستخدام المنهج التحليلي التفسيري والمنهج المكتبي. وقد تم جمع البيانات من خلال دراسة أعمال السهروردي الأصلية والمصادر الثانوية ذات الصلة. محور التحليل هو التركيز على مفاهيم النور والهدوء في الأماكن المقدسة.

الكلمات المفتاحية: النور، الطمأنينة، الأماكن المقدسة، حكمة الاشراق، السهروردي



فصلنامه
علمی
مطالعات
بلاغ و
امکان
متبرکه

تحلیل فلسفی جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه از منظر حکمت اشراقی

سهروردی

مقاله پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۹

رقیه سهرابی^۱

چکیده

این پژوهش به تحلیل فلسفی جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه از منظر حکمت اشراقی شیخ شهاب‌الدین سهروردی می‌پردازد. سهروردی، بنیان‌گذار حکمت اشراق، نور را به‌عنوان اصل نخستین و سرچشمه همه موجودات معرفی می‌کند. از دیدگاه او، نور نماد حقیقت، معرفت و تجلی الهی است که در مکان‌های مقدس همچون بقاع متبرکه متجلی می‌شود. این مکان‌ها به‌عنوان نقاط اتصال عالم مادی و معنوی، حامل انرژی‌های روحانی‌اند که به زائران آرامش و اشراق عرفانی عطا می‌کنند. این پژوهش با رویکردی تحلیلی - تفسیری و با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه آثار اصلی سهروردی، به‌ویژه کتاب‌های «حکمة‌الاشراق» و «التلویحات»، و نیز منابع ثانویه مرتبط با حکمت اشراق گردآوری شده‌اند. پس از استخراج مفاهیم کلیدی، تحلیل فلسفی با تمرکز بر جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نور و آرامش در حکمت اشراقی سهروردی دو مفهوم به هم پیوسته‌اند که در مکان‌های مقدس به اوج تجلی خود می‌رسند. بقاع متبرکه نه تنها مکان‌هایی برای عبادت، بلکه فضاهایی برای تجربه مستقیم نور الهی و دستیابی به آرامش درونی هستند. این آرامش، حاصل اشراق و شهود عرفانی است که از طریق تجربه نور حاصل می‌آید.

این پژوهش با رویکرد تحلیلی - تفسیری و با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه آثار اصلی سهروردی و منابع ثانویه مرتبط گردآوری و تحلیل داده‌ها با تمرکز بر مفاهیم نور و آرامش در بقاع متبرکه صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: نور، آرامش، بقاع متبرکه، حکمت اشراق، سهروردی

۱. مقدمه

نور و آرامش، به عنوان دو مفهوم بنیادین در تفکر فلسفی و عرفانی، همواره مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه بوده‌اند. در میان مکاتب فلسفی، حکمت اشراق سهروردی جایگاهی ویژه دارد، چرا که نور را به عنوان اصل نخستین هستی و منشأ تمامی موجودات معرفی می‌کند. از دیدگاه سهروردی، نور نه تنها یک مفهوم فیزیکی، بلکه نمادی از حقیقت متعالی و تجلی ذات الهی است که در مکان‌های مقدس، از جمله بقاع متبرکه، به وضوح قابل مشاهده است. این مکان‌ها به عنوان نقاط اتصال عالم مادی و معنوی، نقش مهمی در ایجاد آرامش روحی و اشراق عرفانی برای زائران ایفا می‌کنند. با این حال، علی‌رغم اهمیت این مفاهیم، پژوهش‌های جامعی که به تحلیل جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه از منظر حکمت اشراقی سهروردی پرداخته باشند، محدود است. این خلأ پژوهشی، ضرورت بررسی عمیق‌تر این موضوع را نشان می‌دهد.

پیشینه تحقیق در این حوزه عمدتاً به بررسی مفاهیم نور و آرامش در آثار سهروردی و دیگر فلاسفه اشراقی محدود شده است. برخی پژوهش‌ها به تحلیل مفهوم نور در حکمت اشراق پرداخته‌اند، در حالی که دیگر مطالعات بر جایگاه آرامش در عرفان اسلامی تمرکز کرده‌اند. با این وجود، کمتر پژوهشی به بررسی ارتباط این دو مفهوم در مکان‌های مقدس، به ویژه بقاع متبرکه، از منظر سهروردی پرداخته است. این مقاله درصدد است تا با پر کردن این خلأ پژوهشی، به تحلیل فلسفی جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه از منظر حکمت اشراقی سهروردی بپردازد.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین رابطه نور و آرامش در بقاع متبرکه و بررسی نقش این مکان‌ها در سیروسلوک عرفانی انسان از دیدگاه سهروردی است. در این راستا، سؤالات اصلی پژوهش عبارت‌اند از: نور و آرامش در حکمت اشراقی سهروردی چه جایگاهی دارند؟ بقاع متبرکه چگونه به عنوان مکان‌های تجلی نور الهی عمل می‌کنند؟ و چگونه این مکان‌ها به زائران آرامش روحی و اشراق عرفانی عطا می‌کنند؟ این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - تفسیری و با استناد به آثار سهروردی و منابع مرتبط، به بررسی این سؤالات می‌پردازد.

اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بقاع متبرکه نه تنها به عنوان مکان‌های عبادی، بلکه به عنوان فضاهایی برای تجربه مستقیم نور الهی و دستیابی به آرامش درونی، نقش محوری در سیروسلوک عرفانی انسان دارند. این مقاله درصدد است تا با تحلیل جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه، ابعاد فلسفی و عرفانی این موضوع را روشن سازد و به درک عمیق‌تری از رابطه انسان با مکان‌های مقدس از منظر حکمت اشراقی دست یابد. در نهایت، این پژوهش می‌کوشد تا نشان دهد که نور و آرامش در حکمت اشراقی سهروردی دو مفهوم به هم پیوسته‌اند که در مکان‌های مقدس به اوج تجلی خود می‌رسند و نقشی اساسی در هدایت انسان به سوی کمال روحی و معنوی ایفا می‌کنند.

۲. معرفی اجمالی سهروردی و حکمت اشراق

شیخ شهاب‌الدین یحیی سهروردی، معروف به شیخ اشراق، از برجسته‌ترین فلاسفه و عرفای قرن ششم هجری قمری است که در سال ۵۴۹ قمری در سهرورد زنجان متولد شد و در سال ۵۸۷

قمری در حلب به شهادت رسید. سهروردی به‌عنوان بنیان‌گذار مکتب فلسفی - عرفانی «حکمت اشراق»، جایگاهی ویژه در تاریخ فلسفه اسلامی دارد. او با تلفیق عناصری از فلسفه یونانی، به‌ویژه اندیشه‌های افلاطون و نوافلاطونیان، با عرفان اسلامی و میراث فکری ایران باستان، نظام فلسفی نوینی را پایه‌ریزی کرد که به‌عنوان «حکمت اشراق» شناخته می‌شود. این مکتب، بر خلاف فلسفه مشایی ابن سینا که بر استدلال عقلی تأکید دارد، بر شهود عرفانی و اشراق به‌عنوان راهی برای دستیابی به حقیقت تأکید می‌کند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۲۳).

حکمت اشراق سهروردی بر محوریت مفهوم نور استوار است. از دیدگاه او، نور به‌عنوان اصل نخستین هستی، جوهره وجود و منشأ تمامی موجودات است. سهروردی در کتاب‌های خود، به‌ویژه در «حکمة الاشراق» و «التلویحات»، نور را به دو دسته نور محض و نور مجرد تقسیم می‌کند. نور محض که همان ذات الهی است، منشأ همه نورهاست و هیچ‌گونه تاریکی در آن راه ندارد. نورهای مجرد که شامل عقول و نفوس هستند، به‌عنوان مظاهر نور محض عمل می‌کنند و واسطه میان نور محض و عالم ماده‌اند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۴۵). این نظام نورانی، ساختاری سلسله‌مراتبی دارد که در آن هر نور، تجلی نور بالاتر از خود است و در نهایت همه نورها به نور محض منتهی می‌شوند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۵۶).

حکمت اشراق سهروردی نه تنها به‌عنوان یک نظام فلسفی، بلکه به‌عنوان یک راه حل عرفانی برای دستیابی به حقیقت متعالی مطرح است. این مکتب، با تأکید بر نقش نور و شهود عرفانی، راهی نوین برای فهم رابطه انسان با عالم هستی ارائه می‌دهد. سهروردی با ترکیب عناصر فلسفی، عرفانی و اسطوره‌ای، نظامی را پایه‌ریزی کرد که نه تنها در فلسفه اسلامی، بلکه در تاریخ تفکر جهانی نیز تأثیری ماندگار داشته است (سهروردی، ۱۳۷۵: ۹۲).

یکی از مفاهیم کلیدی در حکمت اشراق سهروردی، مفهوم «عالم مثال» یا «برزخ» است. این عالم که میان عالم مادی و عالم مجرد قرار دارد، به‌عنوان واسطه‌ای عمل می‌کند که در آن نور به شکل‌های مختلف تجلی می‌یابد. بقاع متبرکه، به‌عنوان مکان‌هایی که در این عالم قرار دارند، نقاط اتصال عالم مادی و معنوی هستند و به زائران امکان می‌دهند تا از طریق تجربه نور، به آرامش روحی و اشراق عرفانی دست یابند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۱۰۲).

در این چارچوب نظری، نور و آرامش دو مفهوم به هم پیوسته‌اند که در مکان‌های مقدس به اوج تجلی خود می‌رسند. سهروردی معتقد است که آرامش روحی، نتیجه مستقیم تجربه نور الهی است و این تجربه تنها در مکان‌هایی که نور به‌وضوح متجلی می‌شود، امکان‌پذیر است. بقاع متبرکه، به‌عنوان مکان‌های تجلی نور، نقش محوری در هدایت انسان به سوی کمال روحی و معنوی ایفا می‌کنند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۱۱۵). این چارچوب نظری، پایه‌ای برای تحلیل جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه از منظر حکمت اشراقی سهروردی است.

۳. بقاع متبرکه اسلامی

بقاع متبرکه اسلامی به مکان‌های مقدسی اطلاق می‌شود که به دلیل ارتباط با شخصیت‌های برجسته مذهبی، نظیر پیامبران، امامان، اولیای خدا، یا صحابه، از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ و

اعتقادات اسلامی برخوردار هستند. این مکان‌ها به‌عنوان نقاط اتصال عالم مادی و معنوی در نظر گرفته می‌شوند و نقش محوری در تقویت ایمان، معنویت، و سیروسلوک عرفانی ایفا می‌کنند. بقاع متبرکه نه تنها مراکزی برای عبادت و زیارت، بلکه فضاهایی برای آموزش دینی، برگزاری مراسم مذهبی، و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی هستند.

۴. ویژگی‌های بقاع متبرکه اسلامی

این مکان‌ها معمولاً به دلیل وجود آرامگاه یا یادبودی از یک شخصیت مقدس، مانند امامان شیعه، اولیای صوفیه، یا صحابه پیامبر، تقدس یافته‌اند. زیارت بقاع متبرکه به‌عنوان مقاصد اصلی زیارت، نقش مهمی در تقویت ایمان و معنویت زائران ایفا می‌کنند. زیارت این مکان‌ها به‌عنوان عملی عبادی و معنوی، در احادیث و روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. بقاع متبرکه با معماری خاصی طراحی شده‌اند که عناصری مانند گنبد، مناره، محراب، و تزیینات هنری (مانند کاشی‌کاری، آیینه‌کاری، و خوشنویسی) در آنها به‌کاررفته است. این عناصر نه تنها زیبایی بصری ایجاد می‌کنند، بلکه نمادهایی از مفاهیم عرفانی و الهی هستند. فضای روحانی این مکان‌ها با استفاده از نور، صوت (اذان و قرائت قرآن)، و عناصر طبیعی (مانند آب و درختان) فضایی آرامش‌بخش و روحانی ایجاد می‌کنند که به زائران امکان تجربه حضور الهی را می‌دهد. بقاع متبرکه دارای کارکردهای چندگانه هستند و علاوه بر زیارت، به‌عنوان مراکزی برای آموزش علوم دینی و عرفانی عمل می‌کنند. برای مثال، حوزه‌های علمی در شهرهای مقدس مانند قم و نجف، از مهم‌ترین مراکز آموزش دینی در جهان اسلام هستند، برگزاری مراسم مذهبی، و فعالیت‌های اجتماعی در این مکان‌ها با گرد هم آوردن مسلمانان از فرقه‌ها و ملیت‌های مختلف، به تقویت وحدت اسلامی کمک می‌کنند و در حیطه فرهنگ و هنر، معماری و تزیینات بقاع متبرکه، تجلی‌گاه هنر اسلامی و نمادی از فرهنگ غنی مسلمانان هستند. عناصری مانند گنبد، مناره، کاشی‌کاری، و خوشنویسی، نه تنها زیبایی بصری ایجاد می‌کنند، بلکه مفاهیم عمیق عرفانی و الهی را منتقل می‌کنند.

۵. مثال‌هایی از بقاع متبرکه اسلامی

۱-۵ حرم امام رضا علیه السلام در مشهد، ایران:

این مکان مقدس‌ترین بقعه در ایران و یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان جهان است. آرامگاه امام رضا علیه السلام هشتمین امام شیعیان، در این مکان قرار دارد. حرم امام رضا به دلیل معماری باشکوه، تزیینات هنری، و فضای روحانی، سالانه میلیون‌ها زائر را به خود جذب می‌کند.

۲-۵ حرم امام حسین علیه السلام در کربلا، عراق:

این مکان مقدس‌ترین بقعه برای شیعیان است و آرامگاه امام حسین علیه السلام سومین امام شیعیان، در آن قرار دارد. کربلا به دلیل وقوع واقعه عاشورا، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ شیعه دارد و زیارت آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

۳-۵ مسجدالنبی در مدینه، عربستان سعودی:

این مسجد دومین مکان مقدس در اسلام است و آرامگاه پیامبر اسلام ﷺ در آن قرار دارد. مسجدالنبی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز زیارتی مسلمانان، نقش محوری در تاریخ و فرهنگ اسلامی ایفا می‌کند.

۴-۵ حرم فاطمه معصومه (س) در قم، ایران:

این مکان آرامگاه فاطمه معصومه (س)، خواهر امام رضا ﷺ، است و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان در ایران شناخته می‌شود. حرم فاطمه معصومه به دلیل جایگاه معنوی و تاریخی، زائران بسیاری را به خود جذب می‌کند.

۵-۵ حرم علی بن ابی‌طالب ﷺ در نجف، عراق:

این مکان آرامگاه امام علی ﷺ، اولین امام شیعیان، است و به‌عنوان یکی از مقدس‌ترین بقاع در جهان اسلام شناخته می‌شود. نجف همچنین به دلیل وجود حوزه‌های علمیه، مرکز مهمی برای آموزش دینی است.

۶-۵ حرم زینب (س) در دمشق، سوریه:

این مکان آرامگاه حضرت زینب (س)، دختر امام علی ﷺ و خواهر امام حسین ﷺ، است و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان در خاورمیانه شناخته می‌شود.

۷-۵ حرم شاه عبدالعظیم در ری، ایران:

این مکان آرامگاه عبدالعظیم حسنی، از نوادگان امام حسن مجتبی ﷺ، است و به‌عنوان یکی از زیارتگاه‌های مهم شیعیان در نزدیکی تهران شناخته می‌شود.

۶. مراتب هستی‌شناختی نور در بقاع متبرکه

شیخ شهاب‌الدین سهروردی، بنیان‌گذار حکمت اشراق، نور را به‌عنوان نماد حقیقت، معرفت، و وجود مطلق در نظر می‌گیرد. از دیدگاه او، نورالانوار (خدا) منشأ همه نورها و موجودات است، و همه هستی بر اساس میزان بهره‌مندی از نور تقسیم‌بندی می‌شود. این دیدگاه را می‌توان با مفهوم نور در بقاع متبرکه (مکان‌های مقدس) تطبیق داد. ابتدا این مراتب را در هستی‌شناختی نور از منظر سهروردی بیان می‌کنیم سپس با اهمیت نور در بقاع متبرکه تطبیق می‌دهیم.

جدول جایگاه انوار (جوهری و عرضی) در بقاع متبرکه اسلامی

دسته‌بندی	زیردسته	مثال‌ها	ویژگی‌ها	جایگاه در بقاع متبرکه
موجودات نوری	نورهای جوهری	خدا (نورالانوار)، نفوس انسانی، فرشتگان، انوار قاهره	ذاتاً نور، خودآگاه، علم حضوری، مجرد و فاقد ویژگی مادی، علل اصلی جهان	نماد حضور الهی در بقاع متبرکه، ایجاد فضای روحانی و معنوی
	نورهای عرضی	نور خورشید، آتش، لامپ	ذاتاً نور نیستند، نور را منعکس می‌کنند، وابسته به نورهای جوهری	استفاده از نور طبیعی و مصنوعی در معماری بقاع برای ایجاد فضای روحانی و تجلی نور الهی
موجودات ظلمانی	اجسام	موجودات مادی مستقل	ذاتاً ظلمت، مستقل در هستی، فاقد نوریت	عناصر معماری مانند سنگ‌ها و مصالح ساختمانی که فاقد نوریت هستند اما در خدمت فضای مقدس قرار می‌گیرند
	عوارض ظلمانی	رنگ‌ها، بوها	فاقد نوریت، وابسته به موجودات دیگر، فاقد استقلال وجودی	استفاده از رنگ‌ها و عطرها در تزیینات بقاع برای ایجاد حس تقدس و زیبایی

تقسیم‌بندی موجودات بر اساس نور و ظلمت

ویژگی	توضیح	جایگاه در بقاع متبرکه
خودآگاهی و علم حضوری	آگاهی مستقیم و بی‌واسطه به حقیقت اشیا	ایجاد فضایی برای تجربه عرفانی و اتصال به حقیقت متعالی
تجرد کامل	فاقد هرگونه ویژگی مادی، قرار گرفتن در عالم مجردات	نماد تجرد و قداست در معماری و تزیینات بقاع
علل اصلی جهان	ایجاد و تدبیر جهان از طریق اشراق	نقش محوری در هدایت زائران به سوی کمال روحی و معنوی



نقش ویژگی‌های نورهای جوهری در بقاع متبرکه

عنوان	توضیح	جایگاه در بقاع متبرکه
موجودات ظلمانی	فاقد رابطه‌ی علی مستقیم	استفاده از عناصر مادی در خدمت ایجاد فضای روحانی و معنوی
علل نهایی	همه‌ی علل نهایتاً به نور بازمی‌گردند	نور به‌عنوان نماد هدایت و نظم در معماری و تزیینات بقاع
انوار مدبره	اشراقات نورالانوار، مسئول ایجاد نظم و حرکت در جهان	ایجاد نظم و هماهنگی در فضای معماری بقاع برای القای حس آرامش و تقدس

نقش نور در علیت و حرکت در بقاع متبرکه

دسته‌بندی	مثال‌ها	ویژگی‌ها	جایگاه در بقاع متبرکه
موجودات خودآگاه	خدا، فرشتگان، نفوس انسانی	ذاتاً نور، خودآگاه، علم حضوری	ایجاد فضایی برای تجربه‌ی عرفانی و اتصال به حقیقت متعالی
موجودات نیازمند علت خارجی	نور خورشید، آتش، لامپ	نیازمند منبع نور برای خودآگاهی	استفاده از نور طبیعی و مصنوعی برای ایجاد فضای روحانی و تجلی نور الهی
موجودات فاقد خودآگاهی	اجسام، عوارض ظلمانی	فاقد نوریت و خودآگاهی	استفاده از عناصر مادی در خدمت ایجاد فضای روحانی و معنوی

۷. معرفت‌شناسی نور در بقاع متبرکه

سهروردی با تقسیم‌بندی هستی بر اساس نور و ظلمت، نظامی منسجم ارائه می‌دهد که در آن نورالانوار به‌عنوان منشأ همه‌ی نورها و موجودات در رأس قرار دارد. این نظام نه تنها نشان‌دهنده ارتباط بین موجودات نوری و ظلمانی است، بلکه نقش نور را به‌عنوان علت اصلی جهان و منشأ نظم و حرکت در هستی برجسته می‌کند. از دیدگاه سهروردی، همه‌ی موجودات نهایتاً اشراقات نورالانوار هستند و اختلاف آن‌ها تنها در میزان بهره‌مندی از نور است. پس از دید سهروردی همه موجودات هستی، یا از نور ایجاد شده‌اند یا اگر از ظلمت‌اند، دو گروه هستند گروه اول که قابل پذیرش نورند و گروه دوم که قابل پذیرش نور نیستند و ظلمت نامیده می‌شوند. (قربانی، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۶). در بقاع متبرکه نور در مکان‌های مقدس، مانند حرم‌های امامان و اولیای خدا، به‌عنوان نمادی از اشراقات نورالانوار در نظر گرفته می‌شود. این نور نشان‌دهنده‌ی ارتباط این مکان‌ها با منشأ الهی و عالم مجردات است و همانند نور در فلسفه سهروردی، نماد منشأ هستی و ارتباط با عالم متعالی است.

۸. تقسیم‌بندی موجودات بر اساس نور و ظلمت

در فلسفه سهروردی: موجودات به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: موجودات نوری و موجودات ظلمانی. موجودات نوری، مانند فرشتگان و نفوس انسانی، ذاتاً نور هستند و به نورالانوار نزدیک‌اند.

موجودات ظلمانی، مانند اجسام و عوارض مادی، از نور دور هستند و در ظلمت به سر می‌برند (سهروردی، ۳۶۶: ۲۱۵).

در بقاع متبرکه: نور در مکان‌های مقدس به‌عنوان نماد موجودات نوری در نظر گرفته می‌شود. زائران با حضور در این مکان‌ها، به موجودات نوری نزدیک می‌شوند و از ظلمت مادی فاصله می‌گیرند.

۹. نور به‌عنوان نماد معرفت و هدایت

در فلسفه سهروردی: نور نماد معرفت و هدایت است. انسان‌ها با بهره‌مندی از نور، از تاریکی جهل رهایی می‌یابند و به معرفت حقیقی دست پیدا می‌کنند (سهروردی، ۱۳۶۶: ۱۰۵).

در بقاع متبرکه: نور در مکان‌های مقدس به‌عنوان نماد هدایت و روشنایی معنوی در نظر گرفته می‌شود. زائران با حضور در این مکان‌ها و دریافت نور معنوی، از تاریکی جهل و گمراهی رها می‌شوند و به راه راست هدایت می‌یابند.

۱۰. نور به‌عنوان نماد وحدت وجود

در فلسفه سهروردی: همه موجودات نهایتاً اشراقات نورالانوار هستند و تفاوت آن‌ها تنها در میزان بهره‌مندی از نور است. این دیدگاه بیانگر وحدت وجود در عین کثرت است (سهروردی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۱۷-۱۰۷).

در بقاع متبرکه: نور در مکان‌های مقدس به‌عنوان نماد وحدت وجود در نظر گرفته می‌شود. زائران با حضور در این مکان‌ها و دریافت نور معنوی، به وحدت وجود پی می‌برند و اختلافات ظاهری را فراموش می‌کنند و مانند مفهوم نور در فلسفه سهروردی به وحدت وجود می‌رسند.

۱۱. نور به‌عنوان نماد سیر روحانی از تاریکی به روشنایی

یکی از ابعاد مهم در درک حکمت اشراق، توجه سهروردی به دو مفهوم شرق و غرب است، البته نه از منظر جغرافیایی، بلکه به‌عنوان نمادهایی فلسفی و عرفانی. از دیدگاه او، شرق نماد روشنایی، تابش خورشید، و سرزمین نور و معرفت است، در حالی که غرب نماد تاریکی، غروب خورشید، و سرزمین ماده و جهل است. سهروردی حکمت اشراق را به‌عنوان حکمت شرقیان یا حکمت مشرق‌زمینیان معرفی می‌کند، زیرا شرق را سرزمینی می‌داند که در آن نور حقیقت و علم حضوری تجلی می‌یابد. در مقابل، غرب را سرزمینی می‌داند که در آن خورشید حقیقت افول می‌کند و تنها استدلال‌های خشک و بحث‌های عقلی محض حاکم است. از نظر سهروردی، شرق نماد عالم نور و هستی است که انسان را از قید خود و جهان مادی رها می‌سازد و به سوی علم ناب و اشراقی هدایت می‌کند. این علم، ترکیبی از صفای باطن و تقدس است که فراتر از استدلال‌های صرف قرار می‌گیرد. در حالی که غرب، نماد عالم ماده و جهل است که انسان را در دام بحث‌های عقلی و استدلال‌های خشک گرفتار می‌کند. این تقابل شرق و غرب در حکمت اشراق، بیانگر سیر روحانی انسان از تاریکی‌های جهل به سوی روشنایی‌های معرفت و اشراق است. (ضیایی، ۲: ۱۳۹۳؛ قربانی، ۱۳۹۴: ۸۹).



انسان‌ها با حرکت از غرب (تاریکی و جهل) به شرق (نور و معرفت)، به نورالانوار نزدیک می‌شوند و به کمال معنوی دست می‌یابند (سهروردی، ۱۳۶۶: ۲۵-۳۰).

در بقاع متبرکه: نور در مکان‌های مقدس به‌عنوان نماد سیر روحانی از تاریکی به روشنایی در نظر گرفته می‌شود. زائران با حضور در این مکان‌ها و دریافت نور معنوی، از تاریکی جهل و گمراهی رها می‌شوند و به روشنایی معرفت و هدایت دست می‌یابند.

دیدگاه سهروردی درباره نور را با مفهوم نور در بقاع متبرکه مقایسه کردیم. در هر دو مورد، نور به‌عنوان نماد منشأ هستی، قداست، هدایت، وحدت وجود، و سیر روحانی از تاریکی به روشنایی در نظر گرفته می‌شود. این تطبیق نشان می‌دهد که نور در فلسفه سهروردی و در بقاع متبرکه، نقشی محوری در بیان حقایق متافیزیکی و معنوی دارد.

۱۲. ریشه‌های قرآنی اهمیت نور در بقاع متبرکه

مفهوم نور در قرآن کریم جایگاهی ویژه و محوری دارد و به‌عنوان نمادی از هدایت، حقیقت و تجلی ذات الهی مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم نه تنها در آیات متعدد قرآن تکرار شده، بلکه یکی از سوره‌های قرآن نیز به نام «نور» نام‌گذاری شده است. در اینجا به برخی از ویژگی‌های قرآنی نور و ارتباط آن با دیدگاه‌های سهروردی پرداخته می‌شود.

۱-۱۲ نور به‌عنوان نماد هدایت و حقیقت

در قرآن کریم، نور به‌عنوان نمادی از هدایت الهی و حقیقت متعالی معرفی شده است. برای مثال، در آیه ۳۵ سوره نور آمده است:

« اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ »

(خداوند نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثل نور او مانند چراغدانی است که در آن چراغی قرار دارد). این آیه نشان‌دهنده آن است که نور الهی منشأ روشنایی و هدایت در عالم است و همه موجودات از این نور بهره‌مند می‌شوند. این دیدگاه با نظریه سهروردی درباره نور به‌عنوان اصل نخستین هستی و منشأ همه کمالات هم‌خوانی دارد.

۲-۱۲ نور به‌عنوان تجلی ذات الهی

در آیات قرآن، نور به‌عنوان تجلی ذات الهی و نشانه‌ای از قدرت و علم بی‌پایان خداوند معرفی شده است. برای مثال، در آیه ۲۵۷ سوره بقره آمده است:

« اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ »

(خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌آورد).

این آیه نشان‌دهنده آن است که نور الهی انسان‌ها را از تاریکی‌های جهل و گمراهی به سوی روشنایی هدایت و معرفت رهنمون می‌سازد. این مفهوم با دیدگاه سهروردی درباره نور به‌عنوان نمادی از حقیقت متعالی و هدایت انسان‌ها به سوی کمال هم‌خوانی دارد.

۱۲-۳ نور به عنوان محور جهان هستی

قرآن کریم نور را به عنوان محور و اساس جهان هستی معرفی می‌کند. در آیهٔ ۱ سورة انعام آمده است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ...»
(همه ستایش‌ها ویژه خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنی را پدید آورد)...

این آیه نشان‌دهنده‌ی آن است که نور به عنوان یکی از عناصر بنیادین خلقت، در کنار تاریکی، نقش محوری در نظام هستی دارد. این دیدگاه با نظریهٔ سهروردی دربارهٔ نور به عنوان اصل نخستین هستی و منشأ همهٔ موجودات هم‌خوانی دارد.

۱۲-۴ نور در احادیث و ادعیهٔ اسلامی

سهروردی در آثار خود به احادیث و ادعیهٔ اسلامی نیز استناد کرده است که در آن‌ها نور به عنوان نمادی از ذات الهی و منشأ همهٔ موجودات معرفی شده است. برای مثال، در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است:

«إِنَّ الْعَرْشَ مِنْ نُورِي»

(همانا عرش از نور من است)

همچنین در دعای جوشن کبیر آمده است:

«يَا نُورَ الْأَنْوَارِ، أَنْوَارِ السَّمَاوَاتِ مِنْ نُورِكَ نَارَتْ...»

(ای نورالانوار، نور آسمان‌ها از نور تو روشن شده‌اند.)

این احادیث و ادعیه نشان‌دهنده‌ی آن است که نور به عنوان نمادی از ذات الهی و منشأ همهٔ موجودات در فرهنگ اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. این دیدگاه با نظریهٔ سهروردی دربارهٔ نور به عنوان اصل نخستین هستی و منشأ همهٔ کمالات هم‌خوانی دارد.

۱۳. بقاع متبرکه و جایگاه آن‌ها در ایجاد فضایی روحانی و آرامش‌بخش

بقاع متبرکه، به عنوان مکان‌های مقدس در فرهنگ اسلامی، همواره نقش مهمی در خلق فضایی روحانی و آرامش‌بخش ایفا کرده‌اند. این مکان‌ها نه تنها به عنوان مراکزی برای عبادت و نیایش، بلکه به عنوان فضاهایی برای تجربهٔ معنوی و دستیابی به آرامش درونی مورد توجه قرار گرفته‌اند. از منظر حکمت اشراق سهروردی، نور به عنوان اصل بنیادین هستی و نماد حقیقت متعالی، در این مکان‌ها به شکلی آشکار تجلی می‌یابد. این تجلی نور که با به‌کارگیری اصول دقیق معماری و تزیینات هنرمندانه تقویت می‌شود، به خلق فضایی مقدس و آرامش‌بخش کمک شایانی می‌کند. سهروردی، نور را به عنوان جوهرهٔ وجود و منشأ همهٔ کمالات معرفی می‌کند. در بقاع متبرکه، این نور از طریق عناصری مانند نورگیرها، شیشه‌های رنگی، آیینه‌کاری و کاشی‌کاری به‌گونه‌ای طراحی شده که فضایی پر از روشنایی و زیبایی ایجاد کند. این فضا نه تنها به زائران احساس آرامش می‌بخشد، بلکه آن‌ها را به سوی تجربهٔ عرفانی و اتصال به حقیقت متعالی هدایت می‌کند. به این

ترتیب، بقاع متبرکه به عنوان نقاط اتصال عالم مادی و معنوی، جایگاهی ویژه در سیروسلوک معنوی انسان‌ها پیدا می‌کنند. (سهروردی، ۱۳۷۵: ۴۵).

معماران اسلامی با به‌کارگیری پنجره‌های مشبک، نورگیرها و شیشه‌های رنگی، نور طبیعی را به‌گونه‌ای به داخل فضا هدایت می‌کنند که ایجاد حس تقدس و آرامش کند. این نور که از طریق شیشه‌های رنگی فیلتر می‌شود، به‌عنوان نمادی از نور الهی، فضایی روحانی و معنوی ایجاد می‌کند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ص ۱۲۳). به‌گفته‌ی بورکهارت، در معماری بقاع متبرکه، نور در طراحی فضاهای مقدس مورد استفاده قرار می‌گیرد و نه تنها به‌عنوان یک عنصر فیزیکی، بلکه به‌عنوان نمادی از حضور الهی در نظر گرفته می‌شود (Burckhardt, 1976: 56).

تزئینات داخلی بقاع متبرکه نیز نقش مهمی در تقویت مفهوم نور و ایجاد آرامش ایفا می‌کنند. استفاده از آیینه‌کاری، کاشی‌کاری و نقوش هندسی، نور را در فضای داخلی منعکس و پراکنده می‌کند که این امر به ایجاد حس وحدت و هماهنگی در فضا کمک می‌کند. این تزئینات که بر اساس اصول هندسه مقدس طراحی شده‌اند، نه تنها زیبایی بصری ایجاد می‌کنند، بلکه به‌عنوان نمادی از نظم و هماهنگی عالم هستی نیز عمل می‌کنند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵). به‌گفته‌ی نصر، این تزئینات بازتابی از حقیقت متعالی هستند که از طریق نور تجلی می‌یابد (Nasr, 1987: 78).

در نهایت، نور و آرامش در بقاع متبرکه دو مفهوم به هم پیوسته‌اند که از طریق اصول معماری و تزئینات خاص تقویت می‌شوند. این مکان‌ها، به‌عنوان نقاط اتصال عالم مادی و معنوی، و به زائران آرامش روحی می‌بخشند، این تجربه عرفانی که از طریق نور و معماری مقدس حاصل می‌شود، به زائران امکان می‌دهد تا از محدودیت‌های عالم مادی رها شوند.

۱۴. پیشینه تاریخی استفاده از بقاع متبرکه در آموزش و سیروسلوک عرفانی

بقاع متبرکه در طول تاریخ اسلام و به‌ویژه در فرهنگ ایرانی، به‌عنوان مراکزی برای آموزش عرفانی و سیروسلوک معنوی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این مکان‌ها نه تنها به‌عنوان محل زیارت، بلکه به‌عنوان فضاهایی برای تعلیم و تربیت عرفانی و دستیابی به مراحل بالای سلوک معنوی شناخته شده‌اند. از دیرباز، عرفا و مشایخ صوفیه از بقاع متبرکه به‌عنوان مکان‌هایی برای تعلیم مریدان و هدایت آن‌ها در مسیر عرفان استفاده کرده‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۱۲۳).

یکی از نمونه‌های بارز این موضوع، استفاده از بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل است. این بقعه که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز عرفانی در ایران شناخته می‌شود، محل تعلیم و تربیت مریدان و سالکان طریقت صوفیه بوده است. شیخ صفی‌الدین اردبیلی، بنیان‌گذار طریقت صوفیه، از این مکان برای آموزش اصول عرفانی و هدایت مریدان در مسیر سلوک معنوی استفاده می‌کرد (میرجعفری، ۱۳۷۸: ۴۵). به‌گفته‌ی ریچارد گراملیش، بقاع متبرکه در ایران به‌عنوان مراکزی برای تعلیم عرفانی و سیروسلوک معنوی عمل می‌کرده‌اند (Gramlich, 1987: 89).

این مکان‌ها، با استفاده از اصول معماری و تزئینات خاص، فضایی روحانی و معنوی ایجاد می‌کنند و به‌عنوان نقاط اتصال عالم مادی و معنوی عمل می‌کنند. به‌گفته‌ی بورکهارت، نور در معماری اسلامی نه تنها به‌عنوان یک عنصر فیزیکی، بلکه به‌عنوان نمادی از حضور الهی در نظر گرفته می‌شود

۱۵. عناصر بصری و ارتباط آن با مواد و مصالح برای نشان دادن نور در بقاع متبرکه ایرانی

در معماری بقاع متبرکه ایرانی، عناصر بصری متعددی به کار گرفته شده‌اند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با نور در ارتباط هستند. این عناصر نه تنها به عنوان ابزارهایی برای کنترل و هدایت نور، بلکه به عنوان نمادهایی از مفاهیم عرفانی و معنوی نیز عمل می‌کنند. مواد و مصالح به کار رفته در این عناصر، نقش کلیدی در ایجاد تأثیرات بصری و معنوی دارند. در ادامه، برخی از این عناصر و مواد مرتبط با آن‌ها به طور علمی بررسی می‌شوند.

۱-۱۵ شیشه‌های رنگی (ویترای)

کاربرد: شیشه‌های رنگی در پنجره‌های مشبک (ارسی) و نورگیرها به کار می‌روند تا نور طبیعی را به داخل فضا هدایت کنند و آن را به رنگ‌های مختلف تجزیه نمایند.

مواد و مصالح: شیشه‌های رنگی از ترکیب سیلیکا (SiO_2) با اکسیدهای فلزی مانند اکسید آهن (Fe_2O_3) برای رنگ قرمز، اکسید مس (CuO) برای رنگ آبی و اکسید کبالت (CoO) برای رنگ آبی تیره ساخته می‌شوند. این مواد با حرارت بالا ذوب شده و به شکل صفحات شیشه‌ای درمی‌آیند.

تأثیر بصری: نور از طریق شیشه‌های رنگی فیلتر شده و به رنگ‌های مختلف تجزیه می‌شود که این امر فضایی روحانی و آرامش‌بخش ایجاد می‌کند. این نور رنگی به عنوان نمادی از نور الهی و تجلی حقیقت متعالی در نظر گرفته می‌شود (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

۲-۱۵ آئینه کاری

کاربرد: آئینه کاری در سقف‌ها، دیوارها و محراب‌های بقاع متبرکه به کار می‌رود تا نور را منعکس و پراکنده کند.

مواد و مصالح: آئینه‌ها از شیشه‌های صیقل داده شده با پوشش نازکی از نقره یا آلومینیوم ساخته می‌شوند. این پوشش‌ها باعث انعکاس نور می‌شوند.

تأثیر بصری: انعکاس نور در آئینه‌ها، فضایی پر از نور و درخشش ایجاد می‌کند که به عنوان نمادی از عالم ملکوت و تجلی نور الهی در نظر گرفته می‌شود. این تکنیک به ویژه در بقاعی مانند حرم امام رضا علیه السلام در مشهد و حرم فاطمه معصومه (س) در قم به کار رفته است (پوپ، ۱۳۶۵: ۸۹).

۳-۱۴ کاشی کاری معرق و هفت‌رنگ

کاربرد: کاشی کاری در دیوارها، گنبدها و مناره‌ها به کار می‌رود تا نور را جذب و بازتاب دهد.

مواد و مصالح: کاشی‌ها از ترکیب خاک رس، سیلیکا و اکسیدهای فلزی ساخته می‌شوند. پس از پخت در کوره، رنگ‌های مختلف مانند لاجوردی (از ترکیب کبالت)، فیروزه‌ای (از ترکیب مس) و سفید (از ترکیب قلع) ایجاد می‌شوند.

تأثیر بصری: کاشی کاری‌های معرق و هفت‌رنگ، نور را به گونه‌ای بازتاب می‌دهند که فضایی پر از

رنگ و نور ایجاد می‌شود. این عنصر به‌عنوان نمادی از نظم و هماهنگی عالم هستی در نظر گرفته می‌شود (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

۴-۱۴ گچ‌بری و نقوش هندسی

کاربرد: گچ‌بری‌های ظریف با نقوش هندسی و اسلیمی در دیوارها و سقف‌ها به کار می‌روند تا نور را به طور غیرمستقیم هدایت کنند.

مواد و مصالح: گچ ($\text{CaSO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$) به‌عنوان ماده اصلی استفاده می‌شود. این ماده پس از ترکیب با آب، قابلیت شکل‌پذیری بالایی دارد و پس از خشک‌شدن، سخت و بادوام می‌شود.

تأثیر بصری: نقوش هندسی و اسلیمی به کار رفته در بقعه‌های مبارک، نور را به طور غیرمستقیم هدایت کرده و سایه‌هایی ظریف ایجاد می‌کنند. این سایه‌ها به‌عنوان نمادی از پیچیدگی و نظم عالم هستی در نظر گرفته می‌شوند (پوپ، ۱۳۶۵: ۷۸).

۵-۱۴ چوب‌کاری و پنجره‌های مشبک (ارسی)

کاربرد: پنجره‌های مشبک چوبی به‌عنوان عنصری برای کنترل نور و ایجاد سایه‌های ظریف به کار می‌روند.

مواد و مصالح: چوب‌های مقاوم مانند چوب ساح یا گردو به‌عنوان ماده اصلی استفاده می‌شوند. این چوب‌ها به دلیل مقاومت در برابر رطوبت و تغییرات دما، برای ساخت پنجره‌های مشبک مناسب هستند.

تأثیر بصری: پنجره‌های مشبک، نور را به‌صورت الگوهای هندسی به داخل فضا هدایت می‌کنند و سایه‌هایی ظریف ایجاد می‌کنند. این الگوها به‌عنوان نمادی از نظم و هماهنگی عالم هستی در نظر گرفته می‌شوند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

۶-۱۴ کاربرد: سنگ‌های مرمر در کف‌ها و دیوارها به کار می‌روند تا نور را بازتاب دهند.

مواد و مصالح: مرمر از کانی کلسیت (CaCO_3) تشکیل شده است که پس از سیقل خوردن، سطحی صاف و براق ایجاد می‌کند.

تأثیر بصری: بازتاب نور از سطح سنگ‌های مرمرین به کار رفته در بقاع، فضایی درخشان و روحانی ایجاد می‌کند که به‌عنوان نمادی از پاکی و قداست در نظر گرفته می‌شود (پوپ، ۱۳۶۵: ۱۰۲).

نتیجه‌گیری

این پژوهش به تحلیل فلسفی جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه از منظر حکمت اشراقی شیخ شهاب‌الدین سهروردی پرداخت. سهروردی، به‌عنوان بنیان‌گذار حکمت اشراق، نور را به‌عنوان اصل نخستین هستی و نماد حقیقت متعالی معرفی می‌کند. از دیدگاه او، نورالانوار (خدا) منشأ همه نورها و موجودات است، و بقاع متبرکه به‌عنوان مکان‌های تجلی این نور، نقش محوری در هدایت انسان به سوی کمال و آرامش روحی ایفا می‌کنند. این مکان‌ها نه تنها به‌عنوان مراکزی برای عبادت، بلکه به‌عنوان فضاهایی برای تجربه مستقیم نور الهی و دستیابی به آرامش درونی عمل می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نور و آرامش در حکمت اشراقی سهروردی دو مفهوم به هم پیوسته‌اند. نور به‌عنوان نماد حقیقت و معرفت، در بقاع متبرکه به شکلی آشکار تجلی می‌یابد و به زائران امکان می‌دهد تا از تاریکی جهل و ظلمت به سوی روشنایی و هدایت حرکت کنند. این تجربه عرفانی که از طریق اشراق و شهود حاصل می‌شود، به زائران آرامش روحی و اتصال به عالم متعالی را هدیه می‌کند.

از سوی دیگر، معماری و تزیینات بقاع متبرکه، با به‌کارگیری عناصری مانند شیشه‌های رنگی، آیینه‌کاری، کاشی‌کاری و نورگیرها، به تقویت مفهوم نور و ایجاد فضایی روحانی و آرامش‌بخش کمک می‌کنند. این عناصر نه تنها زیبایی بصری ایجاد می‌کنند، بلکه به‌عنوان نمادهایی از نظم و هماهنگی عالم هستی، زائران را به سوی تجربه عرفانی و اتحاد با نورالانوار هدایت می‌کنند. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که بقاع متبرکه، به‌عنوان نقاط اتصال عالم مادی و معنوی، جایگاهی ویژه در سیروسلوک عرفانی انسان دارند. نور و آرامش در این مکان‌ها به اوج تجلی خود می‌رسند و نقش اساسی در هدایت انسان به سوی کمال روحی و معنوی ایفا می‌کنند. این یافته‌ها نه تنها درک عمیق‌تری از رابطه انسان با مکان‌های مقدس ارائه می‌دهند، بلکه اهمیت حکمت اشراق سهروردی را در تبیین مفاهیم نور و آرامش در فرهنگ اسلامی برجسته می‌سازند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده:

- بررسی تطبیقی مفهوم نور در حکمت اشراق سهروردی با دیگر مکاتب فلسفی و عرفانی.
 - تحلیل نقش معماری و تزیینات بقاع متبرکه در ایجاد تجربه عرفانی و آرامش روحی.
 - مطالعه میدانی درباره تأثیرات روان‌شناختی و معنوی حضور در بقاع متبرکه بر زائران.
- این پژوهش گامی مهم در جهت درک عمیق‌تر جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه از منظر حکمت اشراقی سهروردی است و می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای پژوهش‌های آینده در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد.



کتاب‌نامه

- اردلان، نادر، و بختیار، لاله (۱۳۸۰). *س وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی*، تهران: نشر خاک.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۶۵). *معماری ایرانی*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). *جست‌وجو در تصوف ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۶۶). *حکمة‌الاشراق*، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۲). *مجموعه مصنفات*، به کوشش سید حسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۵). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۸). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، به کوشش هانری کرین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ضیایی، حسین (۱۳۹۳). *شهاب‌الدین سهروردی: بنیان‌گذار مکتب اشراق*، ترجمه یوسف شاقول و سیما نوربخش، تهران، انتشارات حکمت.
- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۹۴). «نقش و کارکرد نور در فلسفه اشراقی سهروردی»، *اسفار*، سال اول، شماره ۲، ص: ۲۸-۴۶.
- میرجعفری، حسین (۱۳۷۸). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه*، تهران: انتشارات سمت.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۹). *سه حکیم مسلمان*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Burckhardt, Titus. (1976). *Art of Islam: Language and Meaning*. London: World of Islam Festival Publishing Company.
- Gramlich, Richard. (1987). «Die schiitischen Derwischorden Persiens» (Vol. 2). *Wiesbaden*: Franz Steiner Verlag.
- Nasr, Seyyed Hossein. (1987). *Islamic Art and Spirituality*. Albany: State University of New York Press.
- Pope, Arthur Upham. (1965). *Persian Architecture*. London: Thames and Hudson.



فصلنا وعلی بنط العتبات انما کن بیک